

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد عزیز و گرامی: من نه تحصیلات حوزوی دارم و نه تحصیلات دانشگاهی. منتهی به خاطر علاقه زیادی که به علوم معارف دارم مدت زیادی به موضوع اعیان ثابت و آغاز آغازها فکر می‌کردم و نمی‌تونستم به یه جمع بندی درست برسم تا اینکه امشب (زمانی که دارم متن رو می‌نویسم) مسائلی به ذهنم خطور کرد و از حضرت رب العالمین خواستم که این موضوع برام روشن بشه. حاصل همه تفکر من زیر شد که براتون نوشتم. می‌خواستم بدونم که آیا این عقیده صحیح است و یا اینکه من دچار خطا شده‌ام. بر اساس آیه ۸۲ سوره یس: «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون» - شان او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید باش، پس بی‌درنگ موجود می‌شود. این کلمه (آن) - (له) در آیه اشاره به تمام موجوداتی است که در علم خدا موجود است. در همین رابطه آن جمله معروف ابن سینا که می‌گوید: (خداوند زردآلو را زردآلو نکرد. بلکه آن را وجود داد) پس در علم خدا چیزی به عنوان زردآلو موجود است و خداوند چون عین وجود است و عین هستی است و از عین وجود جز وجود صادر نمی‌شود، پس آنچه را که تحت عنوان زردآلو در علم خود موجود داشت را وجود داد و خلق کرد به حسب امکان ذاتی اش. به اعتبار آیه ۵۰ سوره طه که می‌فرماید: «قال ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» - گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش ویژه او را آن گونه که سزاوارش بود، به وی عطا کرده سپس هدایت نمود. پس اینجا بحث جبر به خودی خود منتفی می‌شود چون به عنوان مثال مثلث نمیتونه اعتراض کنه که چرا من سه ضلعی خلق شدم و مربع چهار ضلعی، چون امکان ذاتی مثلث ایجاب می‌کنه که سه ضلعی باشه و چهار ضلعی بودن آن محال ذاتیه و دیگه نمیشه اسمش رو گذاشت مثلث حال مثال شمر رو می‌زنیم: خداوند در علم خود موجودی دارد تحت عنوان شمر که نسبت به اول و آخر آن علم دارد. به تعبیری می‌داند که آغاز و انجام آن به چه نحوی است. حال بر اساس آیه ۸۲ سوره یس خداوند زمانی اراده می‌کند به شمر وجود دهد که پدر و مادر آن در زمانی خاص عمل انعقاد نطفه را انجام دهند یا اینکه نه می‌آییم بالاتر، زمانی که نطفه پدر و مادر شمر بسته می‌شود اراده کرده یا اینکه نه می‌آییم بالاتر موقعی که آدم را هبوط داد روی زمین اراده کرده یا اینکه نه می‌آییم بالاتر تا جایی که خداوند در زمان بی‌زمانی همه آنچه را که در علم خود داشت اراده کرده بود و وجود داد. (به تعبیری در آن مرتبه ازل و ابد یکی می‌شود که: «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم» منتهی در قوس نزول نازل شد و نازل شد و نازل شد و آنقدر نازل شد تا رسید به عالم ماده و چون ذات این عالم بر اساس حرکت است، زمان و مکان پدیدار می‌شود و در

زمان و مکان خاص آنچه را که اراده کرده بود حادث شد و آن وجود به پایین ترین مرتبه خود در قوس نزول رسید و از آن زمان به بعد قوس صعود آغاز می شود و شمر با اختیار خودش و با انتخاب های خودش می شود آنچه که باید بشود تا اینکه وقتی از این نشئه رفت، در آن عالم مواجه می شود با صورت اعمال خودش و این قصه همه بشریت است که به قول علامه حسن زاده (حفظه الله) {هیچ کس دیگری را ملامت نکند که همه ما سر سفره خودمان نشستیم و داریم خودمان را می سازیم} حال این ساختن یا مطابق با فطرت ما هست و یا نیست. بیخشید که یکم طولانی شد. یا حق

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بسیار خوب و سرزنده گفتید و نوشتید دلم حال آمد. در ضمن به نظام احسن الهی هم در این رابطه فکر شود که صدامها تا آنجا مختارند که شخصیت خود را معلوم کنند، نه تا آنجایی که فکر کنند با اختیار خود جهان را به هم بریزند. موفق باشید